



Elucidating the Concept of Spiritual Intelligence in the Derivatives of "Rushd" Extracted from Quranic Verses and the Role of Its Components in Spiritual Nurturing (Qualitative Content Analysis Method)*

Mostafa Dehqani Firouzabadi ¹ and Alireza Tabibi ² and Alireza Tabibi ³

Abstract



The Holy Quran was revealed by Almighty God to the heart of the Prophet to nurture and enhance human intellect. As human beings constantly strive for spiritual growth, Quranic verses serve as a valuable source for spiritual development. Among these verses, the term *rushd* (guidance/maturity) appears 16 times in the Quran and is considered a synonymous concept with spiritual education. This study aims to elucidate the concept of spiritual intelligence in the Quran by analyzing the derivatives of *rushd* in the context of spiritual development. The research employs an analytical method, with the entire Quran serving as the study population and verses containing the term *rushd* as the sample. The findings indicate that the foundations of spiritual intelligence include (faith in God and acceptance of His guidance, continuous remembrance of God, the principle of creation, and divine grace). The prerequisites consist of (knowledge of religious laws and theological beliefs, and utilization of authentic sources). The essential requirements encompass (inviting people to truth, attention to physical and intellectual growth, free choice of religion, migration from a corrupt environment, and traveling with scholars). Additionally, the obstacles to spiritual intelligence, as derived from *rushd*, include (stubbornness, polytheism, blind imitation, internal denial, arrogance, and choosing the wrong path). Each of these elements contributes to facilitating spiritual education and development.

Keywords: Quran, Spiritual Intelligence, Spiritual Development, Education, Spirituality, *Rushd*.

*. **Date of Receiving:** 09/09/2024, **Date of Revised:** 13/12/2024, **Date of Approving:** 01/01/2025.

1. PhD Candidate in Quran and Science (Management), Quran and Hadith Complex, Al-Mustafa International University, Qom Branch. gagarh1357@gmail.com.

2. Faculty Member, Research Institute of Hawzah and University, Assistant Professor, Al-Mustafa University, Qom Branch. atavakkoli@rihu.ac.ir.

3. Faculty Member, Research Institute of Hawzah and University, Assistant Professor, Al-Mustafa University, Qom Branch. atavakkoli@rihu.ac.ir.



مقاله علمی - پژوهشی

تبیین مفهوم هوش معنوی در مشتقات «رشد» مستخرج از آیات قرآن و نقش مولفه‌های آن در تربیت معنوی *

مصطفی دهقانی فیروزآبادی^۱ و علیرضا طیبی^۲ و سیده راضیه پورمحمدی^۳



چکیده

قرآن کریم برای رشد و شکوفایی عقل بشر از جانب خداوند متعال بر قلب پیامبر ﷺ نازل شده است. انسان برای رشد معنوی همواره در حال تلاش است و برای تربیت معنوی می‌توان از آیات قرآن بهره گرفت. در بین آیات، واژه «رشد» یکی از واژگان هم‌معنای تربیت است که در قرآن کریم ۱۶ بار تکرار شده است. هدف این پژوهش تبیین مفهوم هوش معنوی در قرآن با استخراج مشتقات «رشد» در جهت تربیت معنوی می‌باشد. روش پژوهش تحلیلی است. جامعه پژوهش، تمام آیات قرآن کریم و نمونه آماری، آیات مربوط به واژه «رشد» می‌باشد. نتایج حاکی از آن است که مبانی هوش معنوی شامل (ایمان به خدا و پذیرش دعوت او، تداوم ذکر خدا، اصل خلقت و افاضه فیض الهی)؛ مقدمات عبارت‌اند از (علم به احکام دینی و عقاید مذهبی، استفاده از منابع)؛ الزامات نیز شامل (دعوت مردم به حق، توجه به رشد جسمی و فکری، انتخاب آزادانه دین، هجرت از محیط فاسد، مسافرت با عالم) و سپس موانع هوش معنوی در مشتقات رشد عبارت‌اند از (لجاجت، شرک، تقلید کورکورانه، انکار قلبی، تکبر، انتخاب مسیر نادرست) که خروجی هر کدام از این ارکان، موجب تسهیل در تربیت معنوی می‌گردد.

واژگان کلیدی: قرآن، هوش معنوی، تربیت معنوی، تربیت، معنویت، رشد.

* تاریخ دریافت: ۱۴۰۳/۰۶/۱۹، تاریخ اصلاح: ۱۴۰۳/۰۹/۲۲ و تاریخ تأیید: ۱۴۰۳/۱۰/۱۱.

۱. استادیار و عضو هیئت علمی دانشگاه علوم و معارف قرآن کریم، دانشکده علوم قرآنی میبد، میبد، ایران: (firouzabadi@quran.ac.ir).

۲. استاد دانشکده معارف و اندیشه اسلامی، دانشگاه تهران، تهران، ایران (نویسنده مسئول): (tabibi.alireza@ut.ac.ir).

۳. دانشجوی دکتری علوم قرآن و حدیث، دانشگاه اراک، اراک، ایران: (raz_sae@yahoo.com).



مقدمه

موضوع معنویت به‌ویژه هوش معنوی، از جهات مختلف در عصر حاضر اهمیت و ضرورتش احساس می‌شود. چراکه در عرصه انسان‌شناسی از دیرباز تاکنون بعد معنوی همواره مورد توجه علما و اندیشمندان قرار گرفته است. امروزه نیز با توجه همگانی مردم به پیشرفت تکنولوژی و دنیاگرایی، احساس خلأ در عدم توجه به مسئله هوش معنوی وجود دارد. بنابراین، در کشورهای مسلمان و پیشرفته مراکز مخصوصی به معنویت درمانی اختصاص داده‌اند.

از اهداف تربیت و تعلیم اسلامی، ساختن انسان، جامعه و تمدن کمال‌گرا و همواره پویا است. کمال مطلوب انسان نیز در بارور شدن نیروی عقلانی (علم‌آموزی) و رشد‌گرایش‌های معنوی او (تربیت) میسر است. اولین مریی انسان خداوند و سپس پیامبران او هستند. پیامبران در تربیت معنوی مردمان و اصلاح سازمان جامعه خود نقش آفرینی کرده و با فرهنگ‌ها و آداب و رسوم غلط مبارزه کردند و سنت‌های نیکویی را با دین الهی بنیان‌گذاری کردند.

در قرآن آمده است: «رَبَّنَا وَابْعَثْ فِيهِمْ رَسُولًا مِنْهُمْ يَتْلُو عَلَيْهِمْ آيَاتِكَ وَيُعَلِّمُهُمُ الْكِتَابَ وَالْحِكْمَةَ وَيُزَكِّيهِمْ» (بقره: ۱۲۹) و در جای دیگر می‌گوید: «هُوَ الَّذِي بَعَثَ فِي الْأُمِّيِّينَ رَسُولًا مِنْهُمْ يَتْلُو عَلَيْهِمْ آيَاتِهِ وَيُزَكِّيهِمْ وَيُعَلِّمُهُمُ الْكِتَابَ وَالْحِكْمَةَ» (جمعه: ۲).

این دو آیه بیانگر این هستند که باید به فکر تعلیم و تربیت نسل آینده بود و الگودهی، تربیت و آموزش کتاب و دانش از اهداف پیامبران الهی است. معلمان نیز باید به هر دو جنبه تعلیم و تربیت توجه کنند و به سخنان خود عمل کنند، چراکه معلمان الگوی دانش‌آموزان خود هستند (رضایی اصفهانی ۱۳۸۷: ۴۰/۱). در واقع قرآن، کتابی است پند دهنده و یادآورنده که بیشتر هدف‌های تربیتی، معنوی و اخلاقی را برای اصلاح رفتار و پیوستگی‌های اجتماعی و پیوند مبدأ و معاد مطرح کرده است. در قرآن برای «رب» و ریشه «رب» معانی مترادف دیگری از جمله «هدی»، «رشد»، «انباب» و... ذکر شده است. پژوهش حاضر با بهره‌گیری از آیات قرآن و به روش تحلیل محتوا، بر آن است که دریابد مفهوم هوش معنوی از مشتقات «رشد» چیست و مؤلفه‌های آن چه نقشی در تربیت معنوی دارند؟

پیشینه: هوش به‌عنوان یک توانایی شناختی در اوایل قرن بیستم از سوی آلفرد بینه^۱ مطرح شد. او همچنین آزمونی را برای اندازه‌گیری میزان بهره هوش افراد ابداع کرد. بعدها لوئیس ترمن و دیوید

1. Alfred Bine.

وکسلر^۱ آزمون‌های جدیدتری را ساختند؛ اما در دو دهه اخیر، مفهوم هوش به حوزه‌های دیگری مانند هوش هیجانی^۲، هوش طبیعی^۳، هوش وجودی و هوش معنوی گسترش یافته است (رجایی، ۱۳۸۹: ۵۶). دیدگاهی که هوش چندین توانایی مختلف را در بردارد، به‌وسیله پیشرفت‌های اخیر در عصب‌شناسی و روان‌شناسی شناختی حمایت شده است. نظریه‌های مختلفی درباره ابعاد و یا انواع هوش وجود دارد. گاردنر^۴ (۱۹۸۳) نظریه هوش‌های هشت‌گانه را عنوان می‌کند که عبارت‌اند از: هوش زبانی-کلامی، منطقی، ریاضی، موسیقایی-موزون، دیداری-فضایی، بدنی - جنبشی، درون فردی (شخصی)، هوش بین فردی و هوش طبیعت‌گرا (گاردنر، ۲۰۰۲، به نقل از سهرابی ۱۳۸۸: ۶۶). بعدها مقوله‌های هوش طبیعت‌گرا، یعنی هوش معنوی و هوش هستی‌گرا یا هوش وجودی را مطرح کرد که می‌توان از آن به‌عنوان نمایش یک جنبه از هوش معنوی یاد کرد.

در اواسط دهه ۱۹۸۰، گروهی از پژوهشگران در دانشگاه پیردین^۵ تحت سرپرستی پرفسور ال‌کینز^۶ معنویت را از دیدگاه انسان‌گرایانه و پدیدارشناختی بررسی کردند. آنان مفاهیمی را که از معنویت می‌شناسند، گرد آوردند و درنهایت، تعریف زیر را ارائه دادند: معنویت که ریشه در واژه لاتین «اسپیریتوس» به معنای «نفس حیات» دارد، یک شیوه بودن و تجربه زندگی است. این شیوه حاصل آگاهی از بعدی فراتر است و با ارزش‌های قابل تشخیص به‌ویژه در رابطه با خود، دیگران، طبیعت، زندگی و هر چیز دیگر که غایی دانسته شود، مشخص می‌گردد (خدایاری‌فرد، ۱۳۸۱: ۷۸).

مفهوم تربیت معنوی بیشتر از سوی کسانی بررسی شده است که برای مسائل روحی، ارزشی و اخلاقی در تعلیم و تربیت دانش‌آموزان اهمیت قائل‌اند. روشن ساختن مفهوم تربیت معنوی یکی از موضوعات چالش‌برانگیز کنونی در حوزه تعلیم و تربیت است؛ به همین علت، هنوز جایگاه مشخص ثابتی در کنار سایر ابعاد تربیت نیافته است.

امروزه نیز برخی مقالات درباره هوش معنوی و تربیت معنوی نگاشته شده است؛ از جمله آن‌ها می‌توان به موارد زیر اشاره کرد: هوش معنوی (مفاهیم، سنجش و کاربردهای آن)، به ترجمه و تألیف

1. David & Wechsler.
2. Emotional Intelligence.
- 3..Natural Intelligence.
4. Gardner.
5. Pepperadine.
6. Alkins.



حسن عبدالله‌زاده و همکاران، در سال ۱۳۵۵ به بررسی مفاهیم هوش معنوی به صورت کلی و سنجش و کاربردهای آن پرداخته است. همچنین کتابی دیگر تحت عنوان هوش معنوی و مقیاس‌های سنجش آن، به تألیف فرامرز سهرابی و اسماعیل ناصری، در سال ۱۳۹۱ به بررسی مقیاس‌های سنجش هوش معنوی پرداخته است. محمد نژاد و همکاران نیز مقاله‌ای تحت عنوان «مفهوم هوش معنوی مبتنی بر آموزه‌های اسلام»، در سال ۱۳۵۵ به قلم تحقیق در آورده‌اند که نمود اسلامی هوش معنوی در آن مشهود است. با توجه به منابع و پیشینه‌ی یادشده می‌توان دریافت که هرکدام از منابع به یک جنبه از بحث حاضر اشاره دارد و این پژوهش بر آن است که به تبیین مفهوم هوش معنوی در فعل «رشد» مستخرج از آیات قرآن و نقش مؤلفه‌های آن در تربیت معنوی بپردازد. این موضوع در هیچ کتاب و مقاله‌ای به صورت کلی کار نشده است و در کتب و مقالات، تنها اشاراتی به اصل موضوع دارند. مقالات، به علت محدود بودن حجم مطالب آن‌ها، به همه حیطه‌های موضوع اشراف نداشته و هرکدام به بخشی از موضوع پرداخته‌اند. البته پژوهش حاضر از مقالات مذکور در این زمینه بهره گرفته است.

الف. تعریف مفاهیم

روشن است هر سخن و نوشتاری از یک سری عبارات و مفاهیم برای انتقال ایده‌های خود بهره می‌برد. پژوهش حاضر که به بررسی معناشناسی تربیت معنوی مشتقات «رشد» در قرآن کریم و احادیث می‌پردازد نیز از این مطلب فارغ نیست و مفاهیمی را برای انتقال پیام‌های خود در نظر گرفته است، که به تعریف مفاهیمی چون معنویت، معنا، تربیت و تربیت معنوی می‌پردازد.

۱. تربیت معنویت

تربیت واژه‌ای عربی است که اگر از «ربو» گرفته شود معنای رشد، بالا بردن و غذا دادن در آن نهفته است (ابن منظور، ۱۴۱۴: ۱۲۶/۵). در اصطلاح عبارت است از: مجموعه اعمال یا تأثیرات عمدی و هدف‌دار یک انسان (مربی) به منظور اثرگذاری بر شناخت‌ها، اعتقادات، احساسات، عواطف و رفتارهای انسان یا انسان‌های دیگر (متربی یا متربیان) بر اساس برنامه سنجیده (داودی، ۱۳۹۹: ۲۲/۲). در تعریف دیگر، تربیت فعالیتی منظم و مستمر در جهت رشد همه‌جانبه فرد و از قوه به فعل درآوردن استعدادها، درونی و فطری اوست؛ به‌گونه‌ای که اثر آن در رفتار متربی ظاهر شود (حاجی ده‌آبادی، ۱۳۷۷: ۱۲).
تربیت معنوی عبارت است از شکوفاسازی فطرت توحیدی و سیر دادن مردم به‌ویژه نوجوانان و جوانان از خودشناسی به خداشناسی. از این رو، وقتی که انسان خود را در ربط با منبع قدس و طهارت و نور و عزت بشناسد، می‌تواند در حیات طیبه زندگی کند (مظاهری، ۱۳۸۳: ۴۶).

۲. هوش معنوی

استیونز^۱ در سال ۱۹۹۶ برای اولین بار و ایمونز در سال ۱۹۹۹ مفهوم هوش معنوی را در ادبیات دانشگاهی روان‌شناسی مطرح کردند (اسمیت و همکاران، ۱۴۰۲: ۲۵). به اعتقاد ایمونز، معنویت می‌تواند شکلی از هوش تلقی شود، زیرا عملکرد و سازگاری افراد را پیش‌بینی می‌کند و قابلیت‌هایی را مطرح می‌کند که فرد را قادر می‌سازد به حل مسائل پردازد و به اهداف خود دسترسی داشته باشد (ایمونز، ۲۰۰۰: ۲۷-۳۴). برای هوش معنوی تعاریف و ویژگی‌های مختلفی بیان شده است، اما به‌طور کلی هوش معنوی در بردارنده نوعی سازگاری و رفتار حل مسئله است که بالاترین سطوح رشد در حیطه‌های مختلف شناختی، اخلاقی، هیجانی، بین‌فردی و ... را شامل می‌شود و فرد را در جهت هماهنگی با پدیده‌های اطرافش و دستیابی به یکپارچگی درونی و بیرونی یاری می‌کند (عبدالله‌زاده، ۱۳۸۸: ۷۶). «هوش معنوی»، سازه‌های معنویت و هوش را درون یک سازه جدید ترکیب می‌کند؛ همچنین بیانگر مجموعه‌ای از توانایی‌ها، ظرفیت‌ها و منابع معنوی است که کاربست آن‌ها در زندگی روزانه می‌تواند موجب افزایش انطباق‌پذیری فرد شود. در تعریف‌های موجود از «هوش معنوی»، بر نقش آن در حل مسائل وجودی و یافتن معنا و هدف در اعمال و رویدادهای زندگی روزمره تأکید شده است (سهرابی، ۱۳۷۸: ۳۵). در پژوهش حاضر، مراد از هوش معنوی این است که هوش معنوی قادر است که هشیاری یا احساس پیوند با یک قدرت برتر یا یک وجود مقدس را تسهیل کند یا افزایش دهد (سیسک و تورنس، ۲۰۰۱: ۶۵).

۳. رشد

در خصوص «رشد» راغب آورده است: «الرَّشْدُ» راهیابی و ثبات در حَقِّ که در برابر «غی» یعنی گمراهی است. واژه «رشد» مثل واژه هدایت به کار می‌رود (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲: ۳۵۴). در جای دیگری در خصوص «رشد» بیان شده: این واژه (بر وزن قُفْل و فَرَس) هدایت، نجات، صلاح و کمال می‌باشد که در مفردات و قاموس و اقرب هر دو وزن یک معنی است (قرشی، ۱۳۷۱: ۱۰/۳). در تفاوت میان دو واژه «رُشِد» و «رَشْد» چند دیدگاه مطرح است: راغب اصفهانی در تفاوت آن‌ها نوشته است: واژه «رَشْد» اخص از «رُشِد» است؛ «رُشِد» در امور دنیایی و آخرتی و «رَشْد» تنها در امور آخرتی به کار می‌رود (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲: ۳۵۳). ابن فارس می‌نویسد سه حرف «ر-ش-د» بر راستی راه دلالت دارد و به مقاصد راه‌ها «مرشد» گفته می‌شود (ابن فارس، ۱۴۱۰: ۳۹۸/۲). این واژه در مقابل واژه «غی» است و در اصل به معنای فرو رفتن در جهل است (فیومی، ۱۴۰۵: ۴۵۷).

1. Stevens.
2. sisk&torrance.



باور انسانی برخی از معاجم با توجه به معنای وضعی و کاربردی رشد آن را اینگونه تعریف کرده‌اند: رشد عبارت است از رسیدن به حقیقت امر. رشید نیز به کسی گفته می‌شود که تدابیر او در بستری استوار به غایت و کمال مطلوب رسد (مجمع اللغة العربیة، ۱۳۶۳: ۱/۴۸۲).

در زبان فارسی، رشد کردن به معنی نمو کردن است (دهخدا، ۱۳۷۳: ۷/۶۴۲) و رشید به معنای شجاع و دلیر است. نیز در فارسی، رشید را به معنی خوش قد و قامت استعمال می‌کنند، چنانکه گویند فلان کس جوانی است زیبا و رشید. در عربی به جای آن "رشیق" گویند و مصدر آن نیز "رشاقت" است (همان). خلیل می‌نویسد: «پسر یا دختری را که از نظر اندام متعادل باشد رشیق گویند» (فراهیدی، ۱۴۱۴: ۱/۶۸۰).

در متون اسلامی نیز رشد به معنای جسمانی به کار نرفته است، لذا در توصیف برخی از افرادی که به رشد نرسیده‌اند گفته شده است: «کبیره غیر رشیده» (حرعاملی، بی تا، ۱۴/۲۱۳).

روش پژوهش

پژوهش حاضر برای دستیابی به هدف از روش تحلیل محتوای کیفی بهره برده است. روش تحلیل محتوای کیفی یکی از روش‌های مناسب در تبیین دیدگاه‌ها و اندیشه‌ها است. تحلیل محتوا در حقیقت فن پژوهش عینی، اصولی و کمی به منظور تفسیر و تحلیل متن است. تفکر بنیادی آن عبارت است از: قرار دادن اجزای یک متن (کلمات، جملات، پاراگراف‌ها و امثال آن‌ها برحسب واحدهایی که انتخاب می‌شوند) در مقولاتی که از پیش تعیین شده‌اند (باردن،^۱ ۱۳۷۵: ۲۹). لاسول^۲ نیز عمده‌ترین کاربرد تحلیل محتوا را مطالعه ارتباطات به منظور پاسخ دادن به این سوال قدیمی تحقیق در ارتباطات می‌داند که «چه کسی؟ چه چیزی را؟ به چه کسی؟ چرا؟ چگونه؟ و با چه تأثیری می‌گوید» (کیوی، کامپنهود،^۳ ۱۳۸۱: ۲۲۲).

ب. تبیین هوش معنوی مشتقات «رشد»

قرآن کریم که کتاب هدایت است، همواره به «تربیت» همانند دیگر موضوعات فردی و اجتماعی بشر توجه دارد و در آیاتی به صورت مستقیم و غیرمستقیم بیان کرده است. واژه‌های مترادف قرآن که به ظاهر بار معنایی یکسانی دارند، اما در موارد متفاوتی با معانی دیگری به کار رفته‌اند، با تدبر در آیات این ظرافت گفتاری در قرآن آشکار می‌شود.

1. Barden.
2. Laswell.
3. kiwi&kamphenood.

پژوهش حاضر بر آن است که با روش تحلیل محتوا، به بررسی «تربیت معنوی» از مشتقات «رشد» که یکی از مفاهیم تربیتی است، بپردازد. از آنجاکه این واژه به معنای هدایت باطنی است، بر خلاف واژه «هدی» بیشتر نمود تربیت معنوی پیدا می‌کند و قرآن کریم نیز با چینش منطقی الفاظ و جملات در آیات مختلف به بیان این لفظ پرداخته است.

تعداد آیات گزارش شده در جدول زیر ۱۶ آیه می‌باشد که مشتقات قرآن را با تعداد دفعاتی که به کار برده شده است، ترسیم می‌کند. کلمه «رشد» ۴۴ درصد از مشتقات این لفظ را تشکیل داده و بیشترین کاربرد قرآن از «رشد» همین لفظ بوده است. این جدول صرفاً جهت نمایش فراوانی آیات مورد استفاده قرار گرفته است.

جدول شماره (۱)

جدول فراوانی مشتقات «رشد» در قرآن		
مشتقات	فراوانی	فراوانی نسبی %
رشد	۷	۰/۴۴
یرشدون	۱	۰/۶
الرشاد	۲	۰/۱۳
الراشدون	۱	۰/۶
الرشد	۳	۰/۱۹
الرشید	۱	۰/۶
مرشدا	۱	۰/۶
فراوانی و فراوانی نسبی گونه‌ها	۱۶	۱۰۰

جدول شماره (۱) ترسیم مشتقات «رشد» در قرآن است. در ستون اول، مشتقات رشد را در آیات استخراج کرده‌ایم و در ستون فراوانی، تعداد واژه‌های رشد در قرآن استخراج شده است. کلمه «رشد» ۷ مرتبه در قرآن آمده است و «یرشدون» یک مرتبه و... در فراوانی نسبی نیز تعداد تکرار واژگان را بر مجموع آیات تقسیم کرده و درصد آن واژه به دست آمده است.



پس از بررسی فراوانی مشتقات «رشد»، آیات را در جدول شماره (۲) با ۶ ستون طراحی کرده‌ایم. در ستون ردیف، تعداد آیات ذکر شده است. در ستون مربوط به آیه، آن قسمت از متن آیه را که واژه «رشد» در آن وجود دارد، ثبت کرده‌ایم. سپس به شرح و بیان ۴ ستون دیگر پس از مشاهده جدول شماره (۲) می‌پردازیم:

جدول شماره (۲)

ردیف	آیه	گزاره تربیتی	جهت-گیری	نقطه تمرکز	نقش تربیتی
۱	وَ ابْتَلُوا الْيَتَامَىٰ حَتَّىٰ إِذَا بَلَغُوا النِّكَاحَ فَإِنْ آنَسْتُمْ مِنْهُمْ رُشْدًا فَادْفَعُوا إِلَيْهِمْ أَمْوَالَهُمْ (نساء: ۶)	توجه به رشد فکری و جسمی	ایجابی	عملی	الزامات
۲	رَبَّنَا آتِنَا مِنْ لَدُنْكَ رَحْمَةً وَ هَيِّئْ لَنَا مِنْ أَمْرِنَا رَشْدًا (کهف: ۱۰)	هجرت از محیط فاسد	ایجابی	عملی	الزامات
۳	وَ قُلْ عَسَىٰ أَنْ يَهْدِيَنَّ رَبِّي لِأَقْرَبٍ مِنْ هَذَا رَشْدًا (کهف: ۲۴)	تداوم ذکر خدا	انگیزشی	نظری	اصول
۴	قَالَ لَهُ مُوسَىٰ هَلْ أَتَّبِعُكَ عَلَىٰ أَنْ تُعَلِّمَنِي مِمَّا عُلِّمْتَ رُشْدًا (کهف: ۶۶)	همنشینی و مسافرت با عالم	ایجابی	عملی	الزامات
۵	وَ أَنَا لَا نَدْرِي أَسْرُّ أُرِيدَ بِمَنْ فِي الْأَرْضِ أَمْ أَرَادَ بِهِمْ رَبُّهُمْ رَشْدًا (جن: ۱۰)	اصل خلقت بر افاضه فیض الهی	ایجابی	نظری	اصول
۶	فَمَنْ أَسْلَمَ فَأُولَئِكَ تَحَرَّوْا رَشْدًا (جن: ۱۴)	علم به احکام دینی و عقاید مذهبی	ایجابی	نظری	مقدمات
۷	قُلْ إِنِّي لَا أَمْلِكُ لَكُمْ ضَرًّا وَلَا رَشْدًا (جن: ۲۱)	انتخاب مسیر نادرست مانع هدایت	سلبی	نظری	موانع

اصول	عملی	ایجابی	ایمان به خدا و پذیرش دعوت او	وَلْيُؤْمِنُوا بِي لَعَلَّهُمْ يَرْشُدُونَ (بقره: ۱۸۶)	۸
موانع	عملی	سلبی	لجاجت مانع رشد	وَمَا أَهْدِيكُمْ إِلَّا سَبِيلَ الرَّشَادِ (غافر: ۳۸)	۹
الزامات	عملی	انگیزشی	دعوت مردم به حق	وَقَالَ الَّذِي آمَنَ يَا قَوْمِ اتَّبِعُونِ أَهْدِكُمْ سَبِيلَ الرَّشَادِ (غافر: ۳۸)	۱۰
موانع	نظری	سلبی	انکار قلبی و انگیزه فاسد	وَالْعِصْيَانِ أُولَئِكَ هُمُ الرَّاشِدُونَ (حجرات: ۷)	۱۱
موانع	عملی	سلبی	تقلید کورکورانه عامل انحراف	إِنَّكَ لَأَنْتَ الْحَلِيمُ الرَّشِيدُ (هود: ۸۷)	۱۲
الزامات	عملی	ایجابی	انتخاب آزادانه دین	لَا إِكْرَاهَ فِي الدِّينِ قَدْ تَبَيَّنَ الرُّشْدُ مِنَ الْغَيِّ (بقره: ۲۵۶)	۱۳
موانع	عملی	سلبی	تکبر و تکذیب آیات مانع رشد	وَإِنْ يَرَوْا سَبِيلَ الرُّشْدِ لَا يَتَّخِذُوهُ سَبِيلًا (اعراف: ۱۴۶)	۱۴
موانع	نظری	سلبی	شک مانع رشد و سعادت	يَهْدِي إِلَى الرُّشْدِ فَآمَنَّا بِهِ وَلَنْ نُشْرِكَ بِرَبِّنَا أَحَدًا (جن: ۲)	۱۵
مقدمات	عملی	ایجابی	عوامل طبیعی ابزار و زمینه‌ی رشد است	وَمَنْ يُضِلِّ فَلَنْ تَجِدَ لَهُ وَلِيًّا مُرْشِدًا (كهف: ۱۷)	۱۶

در ستون «گزاره تربیتی»، کل آیه مورد بررسی قرار گرفته است و با توجه به تفاسیر مختلف آیات، گزاره تربیتی جهت تبیین مفهوم تربیت معنوی استخراج شده است. در ستون جهت‌گیری نیز برای سنجش فراوانی جهت‌گیری آیات، تعداد آیاتی که در جدول تحلیل محتوا در دسته‌های سه‌گانه نقطه تمرکز (انگیزشی، سلبی و ایجابی) با توجه به گزاره برداشت شده و پیام آیه استخراج شده بود، شمارش شده و به صورت درصدی در جدول زیر بیان شده است.



جدول شماره ۳

درصد	تعداد گزاره‌ها	جهت‌گیری آیات
۰/۳۷	۶	سلبی
۰/۱۲	۲	انگیزشی
۰/۵۱	۸	ایجابی
۱۰۰	۱۶	مجموع

مجموع گزاره‌های جهت‌گیری در جدول مذکور حاکی از آن است که ابتدا در امور تربیتی باید‌ها را مطرح کرده و با ۰/۵۱ فراوانی در قسمت ایجابی این جدول قرار دارد. به این معنا است که شرط تربیت در مرحله اول، شرح و بیان باید‌هایی است که جهت تعالی و رشد انجام می‌شود. نکات ایجابی به ذکر اعمالی می‌پردازد که انجام دادنش موجب رشد و سعادت است. سپس ۳۷ درصد، که مجموع ۶ آیه از ۱۶ آیه را نکات سلبی در برگرفته است. این را می‌توان مرحله دوم جهت‌گیری آیات در این موضوع دانست، که ابتدا باید‌ها بیان شود و سپس نباید‌ها. نکات سلبی بیانگر اعمالی است که فرد اگر انجام دهد، دچار انحراف شده و از مسیر تربیت معنوی خارج می‌شود. مرحله آخر جهت‌گیری آیات، نکات انگیزشی است که چیزی فراتر از امور ایجابی است. چراکه در این مورد با حالت تشویقی، مربی را وادار به انجام کاری کرده و آن کار نیز دارای امتیاز خاصی است. برای پرورش امور اجتماعی، مربی نیز به این امر توجه کرده و براساس گزاره‌های قرآنی، مربی را آموزش می‌دهد. در جدول شماره ۳ نیز به بیان نقطه تمرکز به شرح ذیل پرداخته است.

جدول شماره ۴

درصد	تعداد گزاره‌ها	نقطه تمرکز
۰/۳۷	۶	نظری
۰/۶۳	۱۰	عملی
۱۰۰	۱۶	مجموع

این جدول نمایانگر نقطه تمرکز آیات است، یعنی هرکدام از آیات به چه روشی از امور تربیتی اشاره دارد. چنانچه قابل مشاهده است، جنبه عملی آیات ۰/۶۳ می‌باشد. این یعنی توجه و تمرکز آیات «رشد» بر روش عملی است. اختلاف روش‌های (نظری و عملی) تقریباً دو برابری توجه به عمل انسان‌ها را نشان می‌دهد. بی‌شک آنچه که برای تربیت معنوی حائز اهمیت است، نوع عمل به دانسته‌ها است. چه بسیار مشاهده می‌شود که دانسته‌ها منجر به عمل نمی‌شوند و فایده چندانی برای آن عقاید یا دانسته‌ها لحاظ نمی‌شود. خداوند متعال در آیات نیز این مسئله را مدنظر قرار داده و اهمیت عمل کردن

به عقاید را دو برابر عقاید و دانسته‌هایی می‌داند که عملی به آن نمی‌شود. ناگفته نماند که شرط عمل، همان نظریات است؛ اما چنانچه این مسئله مورد توجه قرار نگیرد، اساس علم و عمل زیر سوال می‌رود. آیه ۵ سوره جمعه در تأیید مطالب چنین آورده: ﴿مَثَلُ الَّذِينَ حُمِّلُوا التَّوْرَةَ ثُمَّ لَمْ يَحْمِلُوهَا كَمَثَلِ الْإِجْمَارِ يَحْمِلُ أَثْقَارًا بِئْسَ مَثَلُ الْقَوْمِ الَّذِينَ كَذَّبُوا بِآيَاتِ اللَّهِ وَاللَّهُ لَا يَهْدِي الْقَوْمَ الظَّالِمِينَ﴾ (جمعه: ۵) وصف کسانی که عمل کردن به تورات به آنان تکلیف شده است، آن گاه به آن عمل نکردند، مانند درازگوشی است که کتاب‌هایی را [که هیچ آگاهی به محتویات آنها ندارد] حمل می‌کند. چه بد است سرگذشت مردمی که آیات خدا را تکذیب کردند. و خدا مردم ستمکار را هدایت نمی‌کند. این تمثیل زیبا و با مفهوم قرآن به بیان علم و عمل پرداخته و عالم که از علمش استفاده نکند را به درازگوشی تشبیه کرده است که کتاب‌هایی با خودش حمل می‌کند. سعدی نیز عالم بی‌عمل را به زنبور بی‌عسل تشبیه کرده است: «یکی را گفتند عالم بی‌عمل به چه ماند؟ گفت به زنبور بی‌عسل، زنبور درشت بی‌مروت را گوی باری چو عسل نمی‌دهی نیش مزن».

در این سخن نیز کسانی را که علم دارند و عمل نمی‌کنند؛ اما خود را از دیگران برتر می‌دانند و به هر طریقی می‌خواهند آسیب بزنند، نهی کرده است.

ج. شبکه معنایی «هوش معنوی»

برای تبیین هوش معنوی و استخراج مفاهیم آن از مشتقات «رشد» به صورت سیستماتیک و نظام‌مند، ابتدا طبق جدول شماره ۲، آنچه را که هوش معنوی را تسهیل و تبیین می‌کند استخراج شده و سپس با دسته‌بندی این مفاهیم، تربیت معنوی یادگیرندگان در این باب گنجانده شده است.

آنچه هر کس برای رسیدن به اهداف به آن نیازمند است، ابتدا مسائل پایه‌ای و بنیادی آن است که می‌تواند مبنای ذهنی و فکری تلاش او برای رسیدن به هدف قرار گیرد. این مسائل در علوم مختلف با عنوان «مبانی» هر علم شناخته می‌شوند و در آن، دلایل نیاز و لزوم پرداختن به آن علم بیان می‌گردد. پس از آنکه باورهای فرد برای قرار گرفتن در مسیر تقویت شد و انگیزه کافی در او ایجاد شد، سپس چیزهایی که وجود آن‌ها برای شروع در امری ضروری است با عنوان «مقدمات» مورد توجه قرار می‌گیرد. «مقدمات» بیانگر نخستین اقدامات متربی است. پس از آن باید تکلیف‌بایدها و نبایدها را روشن نمود. آنچه برای رسیدن به هدف لازم است و نیز آنچه که مانع از رسیدن به اهداف می‌شود باید مورد توجه قرار گیرد تا تکلیف فرد در مقابل نبایدها به‌خوبی روشن گردد. شناخت موانع نیز برای متربی لازم و ضروری است؛ عدم شناخت «موانع» سبب بلا تکلیفی در اموری است که به‌عنوان «الزامات» بیان نشده، اما نهی و منعی نیز نسبت به آن صورت نگرفته است (مروتی و همکاران، ۱۳۹۷: ۱۱۲).



۱. مبانی

«مبانی» جمع «مبنا» بوده و «مبنی» از «بنی» به معنای ساختن چیزی با ضمیمه کردن اجزای آن به هم، مشتق شده است (ابن فارس، ۱۴۱۱: ۳۰۲/۱). «مبنا» در معانی محل بنا، شالوده، بنیاد، بنیان و اساس آمده است (معین، ۱۳۷۵: ۳۷۷۷/۳). از این رو، اصل و شالوده تربیت معنوی از مشتقات رشد در پژوهش حاضر به شرح ذیل است:

ایمان به خدا و پذیرش دعوت او: توحید و خداپرستی موجب می‌شود نگرش فرد به همه هستی و زندگی انسان، هدف‌دار و معنادار باشد و در رفتارها با انسجام، وحدت رویه و آرامش عمل کند. باور به خدا، همه رفتارها را به سوی کسب رضایت خداوند، سوق می‌دهد. فردی که خدا را ناظر و همراه خود و حتی از رگ گردن به خود نزدیک‌تر می‌بیند، تلاش می‌کند در همه حال رضایت او را جلب کند (پناهی، ۱۳۸۹: ۹۸). پیوند انسان با خداوند از معرفت و شناخت او آغاز شده، با گرایش‌های عملی در قالب توکل و شکرگزاری گسترش می‌یابد. محورهای کلی اهداف تربیتی در رابطه با خداوند در معرفت خدا، ایمان به او، تقوای الهی، عبودیت و احساس تکلیف و شکرگزاری خلاصه می‌شود (اعرافی و همکاران، ۱۳۸۱: ۴۲). از این رو، ایمان به خدا و پذیرش دعوت او اولین اصل از اصول تربیتی به‌شمار می‌آید؛ زیرا پس از معرفت به خدا و ایمان به او، مسیر هدایت و رشد مهیا شده و با بهره‌مندی از دستورات الهی می‌توان به رشد معنوی و سعادت دست یافت.

تداوم ذکر خدا: ذکر، مصدر است؛ خلاف نسیان است (جوهری، ۱۳۷۶: ۲۰۴/۱) و راغب نیز در مفردات بیان می‌کند که ذکر به معنای یادآوری است و گاهی نیز ذکر را برای حضور در دل و سخن هر دو به کار می‌برند؛ از این جهت گفته می‌شود که ذکر دو گونه است: یکی قلبی و دیگری زبانی (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲: ۱۱/۲). بنابراین بهترین ذکر آن است که قلبی باشد و مخصوصاً وقتی که این لفظ برای آفریدگار دانا به کار می‌بریم. لذا بزرگان اخلاق نیز گفته‌اند: «ذکر خدا» تنها این نیست که نام خدا را بر زبان بیاوریم و مکرر تسبیح و تهلیل و تکبیر گوئیم؛ بلکه منظور آن است که با تمام قلب، متوجه او و عظمتش باشیم و او را همه‌جا حاضر و ناظر بدانیم و بی‌شک چنین ذکری سرچشمه حرکت به سوی نیکی‌ها و خوبی‌ها است و می‌تواند میان انسان و گناه و رذایل اخلاقی سدّ محکمی ایجاد کند (مکارم شیرازی، ۱۳۷۷: ۵۱۸/۲). در این خصوص به روایتی از پیامبر اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ اشاره می‌شود، که فرمودند: «وَلَيْسَ هُوَ سُبْحَانَ اللَّهِ وَالْحَمْدُ لِلَّهِ وَلَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَاللَّهُ أَكْبَرُ وَلَكِنْ إِذَا وَرَدَ عَلَى مَا يَحْرُمُ عَلَيْهِ خَافَ اللَّهُ عَزَّوَجَلَّ عِنْدَهُ وَتَرَكَهُ» یعنی؛ ذکر تنها گفتن سُبْحَانَ اللَّهِ وَالْحَمْدُ لِلَّهِ وَلَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَاللَّهُ أَكْبَرُ نیست، بلکه هنگامی که زمینه‌های حرام فراهم گردد، از خدا بترسد و آن را ترک گوید (مجلسی، ۱۴۲۷: ۱۵۱/۹۰).

در آیات ۳۶ و ۳۷ سوره مبارکه زخرف آمده است: ﴿وَمَنْ يَعِشْ عَنْ ذِكْرِ الرَّحْمَنِ نُقِيضْ لَهُ شَيْطَانًا فَهُوَ لَهُ قَرِينٌ * وَإِنَّهُمْ لَيَصُدُّونَهُمْ عَنِ السَّبِيلِ وَيَحْسَبُونَ أَنَّهُمْ مُهُتَدُونَ﴾؛ و هر کس خود را از یاد [خدای] رحمان به کوردلی و حجاب باطن بزند، شیطانی بر او می‌گماریم که آن شیطان ملازم و دمسازش باشد. و بی‌تردید شیطان‌ها چنین کسانی را از راه خدا بازمی‌دارند، در حالی که [با این گمراهی سخت] گمان می‌کنند راه‌یافتگان واقعی آنانند.

با توجه به آیات مذکور می‌توان دریافت کسی که از یاد خداوند غافل است، مربی و هم‌نشین او شیطان است و پیروی از خطوات شیطان مانع رشد و تربیت معنوی است. ازاین‌رو، تداوم ذکر خدا، کوتاه‌ترین راه رسیدن به رشد است (قرائتی، ۱۳۸۳: ۱۶۰/۵). چنان‌که خداوند متعال می‌فرماید: ﴿وَ اذْكُرْ رَبَّكَ... عَسَىٰ اَنْ يَهْدِيَنَّ رَبِّي لِاَقْرَبَ مِنْ هَذَا رَشَدًا﴾.

اصل خلقت، افاضه فیض الهی: خداوند متعال اصل خلقت را برای افاضه فیض خلق کرده و بعثت پیامبران و نزول کتب آسمانی برای هدایت آنها تمام لطف و کرم و تفضل است (طیب، ۱۳۶۹: ۲۳۰/۱۳). ازاین‌رو، یکی از اصول رشد و تربیت معنوی بهره‌مندی از کتب الهی و پیروی از پیامبران و امامان بر حق خداوند است. چنان‌که در آیه ۷۱ سوره توبه نیز آمده است: ﴿اَلَمْ يَأْتِهِمْ نَبَا الَّذِيْنَ مِنْ قَبْلِهِمْ قَوْمِ نُوْحٍ وَ عَادٍ وَ ثَمُوْدَ وَ قَوْمِ اِبْرَاهِيْمَ وَ اَصْحَابِ مَدْيَنَ وَ الْمُؤْتَفِكَاتِ اَتَتْهُمْ رُسُلُهُمْ بِالْبَيِّنَاتِ فَمَا كَانَ اللّٰهُ لِيُظِلِّمَهُمْ وَ لَكِنْ كَانُوْا اَنْفُسَهُمْ يَظْلِمُوْنَ﴾؛ آیا خبر کسانی که پیش از آنان بودند به اینان نرسیده؟ خبر قوم نوح و عاد و ثمود و قوم ابراهیم و اصحاب مدین و شهرهای زیر و رو شده [قوم لوط] که پیامبرانشان برای آنان دلایل روشن آوردند [ولی نپذیرفتند]؛ خدا بر آن نبود که به آنان ستم ورزد، ولی آنان بودند که همواره بر خود ستم می‌کردند.

در آیه‌ای دیگر آمده است: ﴿... لَوْ لَا اَرْسَلْتَ اِلَيْنَا رَسُوْلًا فَتَنَّبَعْ اٰيَاتِكَ﴾ (طه: ۱۳۲)؛ چرا رسولی به سوی ما نفرستادی تا پیش از آنکه خوار و رسوا شویم، آیات تو را پیروی کنیم.

در نتیجه، افاضه فیض از خداوند متعال نیازمند واسطه است و انبیاء واسطه فیوضات الهی نسبت به بندگان هستند و اصل تربیت معنوی نیز بهره‌مندی از آیات و راهنمایی‌های انبیاء الهی است.

۲. مقدمات

مقدمه چیزی است که برای شروع هر امری لازم و ضروری باشد (معین، ۱۳۷۵: ۱۷۲۵۶). پژوهش حاضر نیز پس از ذکر مبانی، به بیان مقدمات جهت تربیت معنوی به شرح ذیل پرداخته است: **علم به احکام دینی و عقاید مذهبی:** شناخت نخستین گام برای هر امری است. در امور تربیتی نیز مربی ابتدا باید با احکام و عقاید دینی خود آشنا باشد تا بتواند از این طریق مربی را آموزش دهد.



شاخص شناختی را می‌توان در شناخت احکام، قوانین و اخلاقیات خلاصه کرد (رجایی و کاظمی، ۱۳۹۱: ۱۱۵). آیات بسیاری در خصوص شناخت باورهای دینی وجود دارد که برای نمونه به جمله «اهْدِنَا الصِّرَاطَ الْمُسْتَقِيمَ» در قرآن اشاره می‌شود که مشتمل بر مسئله شناخت احکام و توفیق برای اقامه و برپایی شریعت اسلام و اقتدا به کسی که خداوند اطاعتش را واجب گردانده از ائمه و پیشوایان مردم و اجتناب از محرّمات و گناهان می‌باشد (بی‌آزار شیرازی، ۱۳۷۷: ۴۸۹).

تمام شرایط اسلام که اعتقاد به آن‌ها از ما خواسته شده و قرآن کریم در بردارنده آن‌هاست، دو دسته‌اند: نخست اموری که باید به آن اعتقاد داشت که عبارتند از ایمان به خداوند و فرشتگان و کتاب‌های آسمانی و پیامبران و روز رستاخیز و... دوم اموری که باید به آن عمل کرد که عبارتند از شناخت احکام دین و عمل به آن (معرفت، ۱۳۷۹: ۵۵/۱). در نتیجه توجه و شناخت احکام دینی امری لازم برای تربیت معنوی می‌باشد و مربی باید این اصل را در تربیت صحیح به کار ببرد.

استفاده از منابع طبیعی: طبیعت با تمام نیروها و استعدادهای نهفته در آن همواره در خدمت بشر است و بشر می‌تواند از امکانات آن بهره‌گیرد. ضروری‌ترین نیازهای بشر مانند تنفس و تغذیه از همین منابع طبیعی تأمین می‌شود و جالب این‌که انسان به هر چیزی که بیشتر نیاز دارد، در طبیعت به فراوانی یافت می‌شود (جعفری، ۱۳۷۶: ۲۰/۴). خداوند متعال می‌فرماید: ﴿الَّذِي خَلَقَ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضَ وَ أَنْزَلَ مِنَ السَّمَاءِ مَاءً فَأَخْرَجَ بِهِ مِنَ الثَّمَرَاتِ رِزْقًا لَكُمْ وَ سَخَّرَ لَكُمْ الْفُلْكَ لِتَجْرِيَ فِي الْبَحْرِ بِأَمْرِهِ وَ سَخَّرَ لَكُمْ الْأَنْهَارَ﴾؛ همان کسی که آسمان‌ها و زمین را آفرید و از آسمان، آبی فرستاد که با آن میوه‌ها را به عنوان روزی برای شما خارج ساخت و کشتی‌ها را مسخر شما گردانید تا به فرمان او بر دریا حرکت کنند و نهرها را مسخر شما ساخت.

انسان نیز در ارتباط با طبیعت می‌کوشد از منابع طبیعی بهره‌برداری کند، طبیعت را رام و مطیع خود کرده و نیازهای زندگی را از آن برداشت می‌کند (صدر، ۱۳۸۱: ۲۱۰). خداوند متعال نیز در آیات قرآن استفاده از منابع طبیعی را مقدمه رشد و تربیت معرفی کرده و مربی نیز برای تربیت معنوی باید از ابزارهای طبیعی استفاده کند.

۳. الزامات

الزامات سومین رکن هر نظام است و باید به آن پایبند بود. پس از بیان مقدمات برای تربیت معنوی، در مرحله بعد باید الزامات آن مورد بررسی قرار گیرد، زیرا مقدمات زمینه‌ساز الزامات محسوب می‌شوند. به این معنا که، مثلاً اگر شناخت و آگاهی از احکام صورت نگیرد، دعوت مردم به حق انجام نمی‌شود. از این رو، مواردی که برای تربیت معنوی لازم است در مشتقات رشد چنین آمده است:

انتخاب آزادانه دین: خداوند متعال در آیه ۲۵۶ سوره بقره به انتخاب دین آزادانه اشاره دارد و در جمله: «لَا إِكْرَاهَ فِي الدِّينِ»، دین اجباری نفی شده است. سپس جمله «قَدْ تَبَيَّنَ الرُّشْدُ مِنَ الْغَيِّ» را آورده، تا جمله اول را تعلیل کند، چون دین از اموری است که حقایق آن روشن و راه آن با بیانات الهی واضح است. سنت نبویه هم آن بیانات را روشن تر کرده، پس معنی «رشد» و «غی» روشن شده و معلوم می‌گردد که رشد در پیروی دین و غی در ترک دین و روگردانی از آن است. بنا بر این، دیگر علت ندارد که کسی را بر دین اکراه کنند (طباطبایی، ۱۳۷۴: ۵۲۳/۲). از آنجایی که دین عامل رشد بشر است، پس طبق فرموده خداوند متعال اجباری برای پذیرش آن نیست و مربی نیز در تربیت معنوی خود باید ابتدا دین خود را آزادانه انتخاب کند و طبق همان دین به مربی آموزش دهد.

دعوت مردم به حق: پس از انتخاب آزادانه دین، مربی باید مردم را برای تربیت معنوی به حق دعوت کند. دعوت به حق نیز باید از راه حکمت و اندرز نیکو باشد و روشن است که حکمت بر دانش و خرد استوار است؛ زیرا دعوت‌کننده از راه عقل می‌تواند میان حق و باطل و نیکی و بدی تفاوت بگذارد و آن‌ها را از یکدیگر جدا سازد و از راه دانش می‌تواند حالت مخاطبان و نیز شیوه سخن گفتن با آنان را که با ملایمت باشد یا با درشتی، بشناسد (مغنیه، ۱۳۷۸: ۸۷۸/۴). از این رو، زمانی دعوت به حق در مربی اثر دارد که ابتدا مربی دانش لازم را داشته باشد و نوع گفتارش با مخاطب شیوا و ملایم باشد.

هجرت از محیط فاسد: یکی دیگر از الزامات تربیت معنوی، هجرت از محیط فاسد است و خداوند متعال در این باره می‌فرماید: «يَا عِبَادِيَ الَّذِينَ آمَنُوا إِنَّ أَرْضِي وَاسِعَةً فَإِيَّايَ فَاعْبُدُونِ» (عنکبوت: ۵۶)، (ای بندگان من که ایمان آورده‌اید! یقیناً زمین من وسیع و پهناور است؛ پس [با انتخاب سرزمینی مناسب و شایسته که ارزش‌ها در آن حفظ شود] فقط مرا بپرستید) (رضایی اصفهانی، ۱۳۸۷: ۱۰۰/۱۶).

آیه بیان می‌کند که هرگاه در منطقه‌ای نتوانستید به هدف آفرینش و کمال عبادی دست یابید، هجرت کنید (تا آزاد شوید) زیرا اصل در زندگی و سکونت و هجرت، عبادت خداست و مؤمنان تحت فشار، مورد لطف خاص خدا هستند. بنابراین، مربی نیز اگر در محیطی که قرار دارد و مناسب رشد و تربیت نیست، می‌تواند برای تربیت معنوی طبق کلام صریح خداوند هجرت کند.

هم‌نشینی و مسافرت با عالم: علما، وارثان انبیاء هستند و هر کس که دانشی از آنان بیاموزد و به آن عمل کند و برای خدا به دیگران بیاموزد، در ملکوت آسمان، بزرگ و با عظمت خوانده می‌شود. همچنین، سخن گفتن و هم‌نشینی با عالم در جاهای پست و در میانه مزبله‌ها بهتر از سخن گفتن و هم‌نشینی با نادان در کاخ‌ها و روی تشک و مخده می‌باشد (سلطان‌علی شاه، ۱۳۷۲: ۱۱۲/۱). خداوند



متعال نیز می‌فرماید: «قَالَ لَهُ مُوسَى هَلْ أَتَّبِعُكَ عَلَىٰ أَنْ تُعَلِّمَنِي مِمَّا عَلَّمْتَ تُرْسِدًا» (کهف: ۶۶) موسی به او گفت: آیا [اذن می‌دهی که] من تو را [به این هدف] پیروی کنم که از آنچه به تو آموخته‌اند، مایه رشدی به من بیاموزی؟

با توجه به آیه مذکور می‌توان دریافت که یکی دیگر از عوامل رشد معنوی همنشینی و مسافرت با علما است. از این رو، آموختن علم آنان و آموزش آموخته‌ها در ارتقای رشد فردی و اجتماعی مؤثر است. توجه به رشد فکری و جسمی: قرآن کریم که کتاب هدایت است به رشد فکری و جسمی بشر نیز توجه دارد و می‌فرماید: «وَ ابْتَلُوا الْيَتَامَىٰ حَتَّىٰ إِذَا بَلَغُوا النِّكَاحَ فَإِنْ آنَسْتُمْ مِنْهُمْ رُشْدًا فَادْفَعُوا إِلَيْهِمْ أَمْوَالَهُمْ» (نساء: ۶) و یتیمان را [نسبت به امور زندگی] بیازمایید تا زمانی که به حد ازدواج برسند، پس اگر در آنان رشد لازم را یافتید، اموالشان را به خودشان بدهید.

در این آیه خداوند متعال به رشد فکری و جسمی یتیمان توجه دارد و مؤمنین را به اجرای احکام فرا خوانده و تصبیح حقوق ایتم را نهی می‌کند. بنابراین، رشد معنوی نیز زمانی حاصل می‌شود که مربی به رشد فکری و جسمی مخاطب خود توجه داشته باشد و برای هر گروه مخاطب یک دوره خاصی را در نظر بگیرد.

۴. موانع

چهارمین رکن که برای هر نظام تعریف شده موانع می‌باشد. موانع در لغت یعنی عایق و باز دارنده (افرام بستانی، ۱۳۷۶: ۱۲۹) و در اصطلاح مشکلات بازدارنده از پیشرفت امور و هر آنچه را که مانع اجرای کاری شود را می‌گویند. (دهخدا، ۱۳۷۳: ۷۲۰) در پژوهش حاضر نیز مراد از موانع، عوامل بازدارنده تربیت معنوی می‌باشد. از این رو شناخت این مساله بسیار مهم است و پیشگیری و راهکار برای رفع موانع الزامی است. موانع یاد شده در مشتقات رشد به شرح ذیل می‌باشد:

انتخاب مسیر نادرست: با تأمل در آیات قرآن می‌توان دریافت که کتاب آسمانی اهتمام ویژه‌ای به درست بودن مسیر داشته و خود را از این تأکید مستثنا نکرده است، بلکه صفات و کارکردهایی که برای خود برمی‌شمرد، مستلزم پای‌بندی به راه مستقیم است (امین، واعظی، ۱۳۹۲: ۵۶). در این خصوص می‌فرماید: «إِنَّ هَذَا الْقُرْآنَ يَهْدِي لِلَّتِي هِيَ أَقْوَمُ» (اسراء: ۹)؛ این قرآن به راهی که درست‌ترین راه است، هدایت می‌کند.

و در آیه‌ای دیگر عامل هدایت به راه‌های سلامت را این‌گونه بیان می‌کند: «يَهْدِي بِهِ اللَّهُ مَنِ اتَّبَعَ رِضْوَانَهُ سُبُلَ السَّلَامِ» (مائده: ۱۶)؛ خدا به وسیله آن (قرآن) هر که را از خوشنودی او پیروی کند، به راه‌های سلامت هدایت می‌کند.

روشن است که عامل رشد انتخاب مسیر درست است و چنانچه مسیر باطلی انتخاب شود، رشد معنوی حاصل نمی‌شود. خداوند متعال در بسیاری از آیات خود، راه مستقیم و پایدار را آیات قرآن و پیروی از اولیای خاص خود معرفی کرده است.

تکبر و تکذیب آیات: تکبر یکی دیگر از موانع تربیت معنوی است و انسان را از هدایت و بهره بردن از آیات الهی محروم می‌کند. همچنین، شخص متکبر به تکذیب آیات الهی پرداخته و این ناآگاهی او را به انحراف بیشتر می‌کشد. در این خصوص خداوند متعال می‌فرماید: «... وَإِنْ يَرَوْا سَبِيلَ الرُّشْدِ لَا يَتَّخِذُوهُ سَبِيلًا وَإِنْ يَرَوْا سَبِيلَ الْغَيِّ يَتَّخِذُوهُ سَبِيلًا ذَلِكَ بِأَنَّهُمْ كَذَّبُوا بِآيَاتِنَا وَكَانُوا عَنْهَا غَافِلِينَ» (اعراف: ۱۴۶)؛ و چون راه هدایت را مشاهده کنند، آن را راه و رسم زندگی نگیرند و اگر راه گمراهی را ببینند، آن را راه و روش خود گیرند؛ این [بازداشتن از فهم آیات] به سبب آن است که آیات ما را تکذیب کردند و از آن‌ها غافل و بی‌خبر بودند.

با توجه به آیه مذکور، روشن است که تکبر عامل انتخاب مسیر نادرست برای زندگی می‌شود و سپس آیات را تکذیب کرده و راه غفلت را در پیش گرفته که این خود نشان از گمراهی است.

انکار قلبی و انگیزه فاسد: انکار قلبی و انگیزه فاسد، مقدمه طغیان انسان و مانع رشد او است. خداوند متعال در آیه ۷ سوره مبارکه حجرات می‌فرماید: «... وَرَزَيْنَهُ فِي قُلُوبِكُمْ وَكَرَّهَ إِلَيْكُمُ الْكُفْرَ وَالْفُسُوقَ وَالْعِصْيَانَ أُولَئِكَ هُمُ الرَّشِدُونَ»؛ و آن را در دل‌هایتان بیاراست، و کفر و بدکاری و نافرمانی را ناخوشایند شما ساخت، اینان [که دارای این ویژگی‌ها هستند] هدایت‌یافتگان‌اند.

مضمون این آیه روشن کردن مؤمنین است به این‌که خدای سبحان ایشان را به جاده رشد انداخته، و به همین جهت است که ایمان را محبوبشان کرده و در دل‌هایشان زینت داده، و کفر و فسوق و عصیان را از نظرشان انداخته است. پس باید که از این معنا غفلت نکنند و چنانچه نافرمانی کنند، به هلاکت می‌افتند و رشد برایشان حاصل نمی‌شود (طباطبایی، ۱۳۷۴: ۴۶۶/۱۸). در نتیجه، انکار قلبی و انگیزه فاسد انسان را از تربیت معنوی و رسیدن به رشد باز می‌دارد.

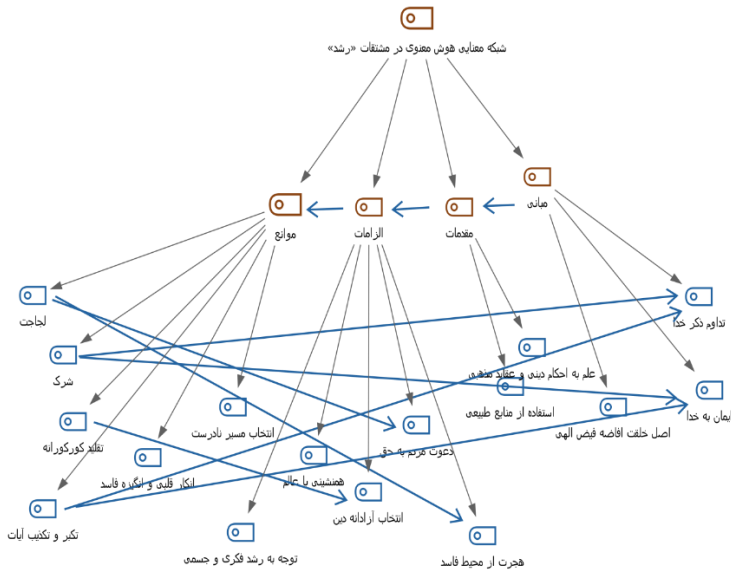
شرك: شرك که ناشی از جهل انسان است (جهل به خدا، به خود و به حقیقت عالم)، مانع بزرگ رشد و تعالی انسان و بسط وجودی او است. همان‌گونه که «شرك» مانع رشد فردی است، «ظلم» نیز مانع رشد اجتماعی است (حکیمی، ۱۳۷۳: ۱۰۹). در آیه‌ای از قرآن آمده است: «وَمَا يُؤْمِنُ أَكْثَرُهُمْ بِاللَّهِ إِلَّا وَهُمْ مُشْرِكُونَ» (یوسف: ۱۰۶) بیشتر مؤمنان ایمانشان آمیخته با شرك است.

منتها، شرك مراتب زیادی دارد. بعضی از این مراتب، شرك‌های خفی و اخفی هستند که موجب سقوط انسان نمی‌شوند بلکه مانع رشد می‌شوند (مصباح یزدی، ۱۳۸۲: ۴). در نتیجه، شرك مانع رشد انسان می‌شود و او را از تربیت صحیح باز می‌دارد.



تقلید کورکورانه: تقلید کورکورانه از عدم تعقل و تفکر سرچشمه می‌گیرد و مولود جهل است. دلیل آن نیز روشن است، افراد عالم و آگاه دارای استقلال فکری هستند و استقلال فکری به آنها اجازه تقلید کورکورانه نمی‌دهد (مکارم شیرازی، ۱۳۸۶: ۱/۹۴). خداوند متعال در این خصوص می‌فرماید: ﴿وَ إِذَا قِيلَ لَهُمْ تَعَالَوْا إِلَىٰ مَا أَنْزَلَ اللَّهُ وَإِلَى الرَّسُولِ قَالُوا حَسْبُنَا مَا وَجَدْنَا عَلَيْهِ آبَاءَنَا أَو لَوْ كَانَ آبَاؤُهُمْ لَا يَعْلَمُونَ شَيْئًا وَلَا يَهْتَدُونَ﴾ (مانده: ۱۰۴) حس تقلید در راقی‌ترین حیوانات مانند میمون و اطفال آدم، آغاز تحول و آزادی از غرائز محدود و ظهور نوعی اندیشه است. پس از آن ترکیب سابق و مخصوص نفسانی فرو می‌ریزد و ظهور عقل و تدبیر منشأ و نتایج اعمال را مشخص می‌کند، تا با اندیشه آزاد راه خود را پیش گیرد. اینجاست که باید تربیت و تعلیم صحیح و ایمان، طفل مستعد انسان را رهبری کند که در حد تقلید کورکورانه و نابجا نماند (طالقانی، ۱۳۶۲: ۱/۱۸۷).

لجاجت: ارزش‌های اخلاقی با یکدیگر مرتبط هستند و تجزیه آن‌ها به نصیب‌شان منجر می‌شود. در حکومت اسلامی، باید همه ارزش‌ها در برنامه‌ی متمیم مکارم اخلاقی دیده شوند و رشد اخلاقی به صورت متوازن و فراگیر دنبال شود. لجاجت و استکبار یکی از موانع رشد به‌شمار می‌آید و امام علی علیه السلام در این باره می‌فرماید: «إِيَّاكَ وَاللَّجَاجَةَ فَإِنَّ أَوْلَهَا جَهْلٌ وَ آخِرَهَا نَدَامَةٌ...»؛ از لجاجت پرهیز که آغاز آن جهل است و پایانش پشیمانی...» (ابن شعبه حرانی، ۱۳۶۳: ۱۴). در نتیجه، منشاء لجاجت نیز جهل است و انسان جاهل همواره راه رشد و سعادت خود را بسته و برای دریافت کلام حق و راهنمایی به مسیر درست زندگی نیز استقامت می‌ورزد. در تربیت معنوی نیز چنانچه متربی برای یادگیری لجاجت کند، رشدی برایش حاصل نخواهد شد.



با توجه به تصویر شبکه معنایی می‌توان دریافت که موانع رشد، هرکدام به نحوی در مبانی، مقدمات و الزامات دخیل بوده و شبکه معنایی هوش معنوی را تحت تأثیر قرار می‌دهند. چنانچه قابل مشاهده است، لعاجت مانع دعوت مردم به حق و هجرت از محیط فاسد است و شرک مهم‌ترین مانع ایمان به خدا و تداوم ذکر خدا می‌باشد. تقلید کورکورانه نیز مانع انتخاب آزادانه دین می‌شود و تکبر و تکذیب آیات سبب نفی ایمان به خدا و تداوم ذکر می‌شود.

نتیجه‌گیری

پژوهش حاضر با تبیین مفهوم هوش معنوی در آیات مربوط به «رشد» و مشتقات آن، به‌منظور کشف و استخراج گزاره‌های تربیتی به روشی منسجم و دیدگاهی جامع، ابتدا مفاهیم معنوی را در قالب چهار شبکه (اصول، مقدمات، الزامات و موانع) دسته‌بندی کرده و آن را جهت تسهیل یادگیری تربیت معنوی یادگیرندگان به‌صورت نمودار ترسیم کرده است. سپس مشتقات «رشد» از قرآن استخراج شده و مجموع ۱۶ آیه از قرآن را در بر گرفته است. فراوانی نسبی واژه «رشد» که ۴۴/۰ برابر با ۷ بار تکرار این واژه در قرآن بیش از دیگر مشتقات آمده است، در جدول شماره ۱ قابل مشاهده می‌باشد.

پس از آن، جهت‌گیری آیات مورد بررسی قرار گرفته است که در جدول شماره ۲ فراوانی و فراوانی نسبی آن نیز قابل مشاهده می‌باشد. از بین جهت‌گیری آیات (سلبی، انگیزشی و ایجابی)، نخست عوامل ایجابی ۵۱/۰ از مجموع آیات را به خود اختصاص داده و عوامل سلبی نیز ۳۷/۰ و عوامل انگیزشی در دو آیه با میانگین ۱۲/۰ آیات مربوط به «رشد» را در بر گرفته‌اند. در این خصوص می‌توان گفت که اهمیت مسائل ایجابی در تربیت بیشتر از عوامل سلبی و انگیزشی است و رکن تربیت نخست، آگاهی از بایدها و انجام آن‌ها است و سپس نهی از نبایدها و در مرحله دیگر تشویق و ایجاد انگیزه مترقی برای انجام بایدها می‌باشد.

نقطه تمرکز این پژوهش نیز به روش نظری و عملی اشاره دارد که میانگین روش عملی ۶۳/۰ و روش نظری نیز ۳۷/۰ از مجموع آیات است. این جدول نشان داد که اهمیت جنبه عملی کارها تقریباً دوبرابر دانسته‌هایی است که به آن عمل نمی‌شود و آیات دیگر قرآن و سخن بزرگان نیز مؤید این گزاره هستند. در بخشی دیگر، مبانی، مقدمات، الزامات و موانع این مشتقات برای تبیین تربیت معنوی پرداخته شد. مبانی آن شامل: ایمان به خدا و پذیرش دعوت او، تداوم ذکر خداوند و اصل خلقت افاضه فیض الهی می‌باشد و این عوامل اصل و زیربنای تربیت معنوی در مشتقات رشد را ترسیم کرده‌اند. مقدمات نیز شامل علم به احکام دینی و عقاید مذهبی، استفاده از منابع طبیعی است.



در بخش الزامات، به انتخاب آزادانه دین، دعوت مردم به حق، همنشینی و مسافرت با عالم، هجرت از محیط فاسد و توجه به رشد فکری و جسمی اشاره شده است. این بخش همان بایدهایی است که برای تعالی رشد ضروری است. در بخش نهایی، پژوهش حاضر به بررسی موانع پرداخته است که عبارتند از: تقلید کورکورانه، انتخاب مسیر نادرست، تکبر و تکذیب آیات، شرک، انکار قلبی و انگیزه فاسد، لجاجت. هر کدام از این موانع مسیر رشد را متوقف کرده و باید با آگاهی خاصی برای رفع موانع تلاش کرد.

فهرست منابع

۱. قرآن کریم.
۲. ابن منظور، محمد بن مكرم، لسان العرب، بيروت: دار صادر، ۱۴۱۴ق.
۳. ابن فارس، احمد، معجم مقاييس اللغة، بيروت: دارالجيل، ۱۴۱۱ق.
۴. استاد محمدتقی مصباح، اخلاق و عرفان اسلامي، نشریه معرفت، موسسه آموزشی پژوهشی امام خمینی(ره)، شماره ۷۱، ۱۳۸۲ش.
۵. اسمیت و همکاران، زمینه روان شناسی اتکینسون و هیلگارد، مترجم: دکتر حسن رفیعی با همکاری دکتر مجتبی دلیر، تهران: ارجمند، ۱۴۰۲ش.
۶. اعرافی، علیرضا و دیگران، اهداف تربیت از دیدگاه اسلام، تهران: سمت، ۱۳۸۱ش.
۷. افرام بستانی، فواد، فرهنگ ابجدی الفبایی عربی - فارسی، مترجم رضا مهبیار، تهران: اسلامی، دوم، ۱۳۷۳ش.
۸. باردن، لورنس، تحلیل محتوا، ترجمه ملیحه آشتیانی و محمد یمنی دوزی، تهران: انتشارات شهید بهشتی، ۱۳۷۵ش.
۹. بی آزار شیرازی، عبدالکریم، قرآن ناطق، تهران: دفتر نشر فرهنگ اسلامی، ۱۳۷۷ش.
۱۰. پناهی، علی احمد، نقش التزام به آموزه های دینی در تربیت و استحکام خانواده، معرفت اخلاقی، سال اول، شماره دوم، بهار ۱۳۸۹ش.
۱۱. جعفری، یعقوب، تفسیر کوثر، قم: موسسه انتشارات هجرت، ۱۳۷۶ش.
۱۲. جوهری، اسماعیل بن حماد، تاج اللغة و صحاح العربية، بيروت: بی نا، ۱۳۷۶ق.
۱۳. حاجی ده آبادی، محمدعلی، درآمدی بر تربیت اسلامی، قم: دفتر تحقیقات و تدوین متون دینی، ۱۳۷۷ش.
۱۴. حرّانی، حسین بن شعبه، تحف العقول، قم: انتشارات نشر اسلامی، چاپ دوم: ۱۳۶۳ش.
۱۵. حکیمی، محمدرضا، احکام دین و اهداف دین، نقد و نظر، شماره ۱، زمستان ۱۳۷۳ش.
۱۶. داودی، محمد، سیره و تربیت پیامبر ﷺ و اهل بیت، قم: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه، ششم، ۱۳۹۹ش.
۱۷. دهخدا، علی اکبر، لغت نامه، تهران: انتشارات دانشگاه تهران، ۱۳۷۳ش.
۱۸. حر عاملی، محمد بن حسن، وسائل الشیعه، بی جا، بی نا، بی تا.



۱۹. خسروپناه، عبدالحسین و همکاران، انسان‌شناسی اسلامی، قم: نشر معارف، ۱۳۹۲ش.
۲۰. رجائی، محمدکاظم و مصطفی کاظمی، شاخص ترکیبی صداقت در بازار اسلامی، معرفت اقتصاد اسلامی، شماره ۵، ۱۳۹۰ش.
۲۱. رضایی اصفهانی، محمدعلی، تفسیر قرآن مهر، قم: پژوهش‌های تفسیر و علوم قرآن، ۱۳۸۷ق.
۲۲. سهرابی، فرامرز، مبانی هوش معنوی، سلامت روان، شماره ۳، بهار ۱۳۷۸ش.
۲۳. سلطان علی‌شاه، سلطان محمد بن حیدر، متن و ترجمه فارسی تفسیر شریف بیان السعادة فی مقامات العبادة، تهران: سر الاسرار، ۱۳۷۲ش.
۲۴. صدر، محمدباقر، سنت‌های تاریخ در قرآن، تهران: تفاهم، سوم، ۱۳۸۱ش.
۲۵. طالقانی، محمود، پرتوی از قرآن، تهران: شرکت سهامی انتشار، چهارم، ۱۳۶۲ش.
۲۶. طباطبایی، محمدحسین، تفسیر المیزان، ترجمه محمدباقر موسوی، قم: جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، دفتر انتشارات اسلامی، پنجم، ۱۳۷۴ش.
۲۷. طبرسی، فضل بن حسن، ترجمه تفسیر مجمع البیان، تهران: فراهانی، بی‌تا.
۲۸. طیب، عبدالحسین، اطیب البیان فی تفسیر القرآن، تهران: اسلام، ۱۳۶۹ش.
۲۹. عبدالله‌زاده، حسن و همکاران، هوش معنوی، تهران: انتشارات روان‌سنجی، ۱۳۸۸ش.
۳۰. فراهیدی، خلیل بن احمد، العین، اسوه، ۱۴۱۴ق.
۳۱. فیومی، احمد بن محمد، المصباح المنیر، قم: موسسه دارالهجره، ۱۴۰۵ق.
۳۲. قرشی بنایی، علی اکبر، قاموس قرآن، تهران: دار الکتب الإسلامية، ششم، ۱۳۷۱ش.
۳۳. قرائتی، محسن، تفسیر نور، تهران: مرکز فرهنگی درس‌هایی از قرآن، ۱۳۸۸ش.
۳۴. کیوی، ریمون و کامپنهود، لوک وان، روش تحقیق در علوم اجتماعی، ترجمه عبدالحسین نیک‌گهر، تهران: انتشارات توتیا، ششم، ۱۳۸۱ش.
۳۵. مجلسی، محمدباقر، بحارالانوار، قم: انتشارات احیاء کتب المقدسة، اول، ۱۴۲۷ق.
۳۶. مجمع اللغة العربیة، معجم الفاظ القرآن الکریم، تهران: انتشارات ناصرخسرو، دوم، ۱۳۶۳ش.
۳۷. ملکیان، مصطفی، دین، معنویت و عقلانیت، مجله آبان، شماره ۱۴۴، بهمن ۱۳۸۱ش.
۳۸. محمدرضا امین، احمد واعظی، صلح اندیشی قرآن کریم در اخبار، قرآن‌شناخت، سال ششم، شماره اول، پیاپی ۱۱، بهار و تابستان ۱۳۹۲.

۳۹. مروتی و همکاران، تبیین مفهوم انضباط گفتاری در قرآن و استخراج دلالت‌های ضمنی آن در تربیت گفتاری یادگیرندگان، مسائل کاربردی تعلیم و تربیت، شماره ۴، پیاپی ۹، زمستان ۱۳۹۷ ش.
۴۰. مظاهری سیف، حمیدرضا، آیین عاشقی، موسسه تنظیم و نشر آثار علامه طباطبایی، ۱۳۸۳ ش.
۴۱. معرفت، محمدهادی، تفسیر و مفسران، قم: موسسه فرهنگی انتشاراتی التمهید، ۱۳۷۹ ش.
۴۲. معین، محمد، فرهنگ فارسی، تهران: امیرکبیر، دهم، ۱۳۷۵.
۴۳. مغنیه، محمدجواد، ترجمه تفسیر کاشف، قم: بوستان کتاب قم (انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم)، ۱۳۷۸ ش.
۴۴. مکارم شیرازی، ناصر، تفسیر نمونه، تهران: دار الکتب الإسلامية، دهم، ۱۳۷۱ ش.
۴۵. _____، پیام قرآن، تهران: دار الکتب الإسلامية، نهم، ۱۳۸۶ ش.
46. Emmons, R.A.; Is Spirituality and Intelligence? The International Journal for the Psychology of Religion, 10(1), 3-26, 27-34, 2000.
47. Trousdale, A. M.; Black and white fire: The interplay of stories, imagination and children's spirituality. International Journal of Children's Spirituality, N. 2, PP. 177-188, 2004.
48. Sisk, D. A., & Torrance, E. P.; Spiritual intelligence: Developing higher consciousness. Buffalo, New York: Creative Education Foundation Press, 2001.



References

1. *The Noble Quran*.
2. 'Abd Allāh Zādah, Ḥasan and Colleagues, *Hūsh-i Ma'navī (Spiritual Intelligence)*, Tehran: Intishārāt-i Ravānsanjī (Ravansanji Publications), 1388 SH (2009 CE).
3. A'rāfi, 'Alī Ridā and others, *Ahdāf-i Tarbiyat az Dīdgāh-i Islām (The Goals of Education from an Islamic Perspective)*, Tehran: SAMT, 1381 SH (2002 CE).
4. Afrām Bustānī, Fu'ād, *Farhang-i Abjadī-yi Alfabā'ī-yi 'Arabī-Fārsī (Arabic-Persian Alphabetical Dictionary)*, Translated by Ridā Mihyār, Tehran: Islāmī (Islamic Publications), 2nd Edition, 1373 SH (1994 CE).
5. Bārden, Lūrāns, *Tahlīl-i Muhtavā (Content Analysis)*, Translated by Malīḥah Āshtiyānī and Moḥammad Yamīnī Dūzī, Tehran: Intishārāt-i Shahīd Bihishtī (Shahid Beheshti University Publications), 1375 SH (1996 CE).
6. Bī Āzār Shīrāzī, 'Abd al-Karīm, *Qur'ān-i Nāṭiq (The Speaking Quran)*, Tehran: Daftar-i Nashr-i Farhang-i Islāmī (Office of Islamic Culture Publications), 1377 SH (1998 CE).
7. Dāvūdī, Moḥammad, *Sīrah va Tarbiyat-i Payāambar| va Ahl-i Bayt (The Conduct and Education of the Prophet and His Household)*, Qom: Pazhūhishgāh-i Ḥawzah va Dānishgāh (Research Center of Islamic Seminary and University), 6th Edition, 1399 SH (2020 CE).
8. Dihkhudā, 'Alī Akbar, *Lughatnāmah (Dictionary)*, Tehran: Intishārāt-i Dānishgāh-i Tehrān (University of Tehran Publications), 1373 SH (1994 CE).
9. Emmons, R.A.; *Is Spirituality and Intelligence?* The International Journal for the Psychology of Religion, 10(1), 3-26, 27-34, 2000.
10. Farāhīdī, Khalīl ibn Aḥmad, *Al-'Ayn (The Dictionary of Ayn)*, Aswah (Aswah Publications), 1414 AH (1993 CE).
11. Fayyūmī, Aḥmad ibn Moḥammad, *Al-Miṣbāḥ al-Munīr (The Illuminating Lamp)*, Qom: Mu'assasah Dār al-Hijrah (Dar al-Hijrah Institute), 1405 AH (1985 CE).
12. Ḥājī Dehābādī, Moḥammad 'Alī, *Darāmadī bar Tarbiyat-i Islāmī (An Introduction to Islamic Education)*, Qom: Daftar-i Taḥqīqāt va Tadwīn-i Mutūn-i Dīnī (Office of Research and Compilation of Religious Texts), 1377 SH (1998 CE).
13. Ḥakīmī, Moḥammad Ridā, *Aḥkām-i Dīn va Ahdāf-i Dīn (The Rulings of Religion and the Goals of Religion)*, Naqd va Nazar (Critique and Perspective Journal), No. 1, Winter 1373 SH (1994 CE).
14. Ḥarrānī, Ḥusayn ibn Shu'bah, *Tuḥaf al-'Uqūl (Gifts of the Intellects)*, Qom: Intishārāt-i Nashr-i Islāmī (Islamic Publishing House), 2nd Edition, 1363 SH (1984 CE).
15. Ḥurr al-'Āmilī, Moḥammad ibn Ḥasan, *Wasā'il al-Shī'ah (The Means of the Shia)*, n.p., n.d.
16. Ibn Fāris, Aḥmad, *Mu'jam Maqāyīs al-Lughah (The Dictionary of Language Standards)*, Beirut: Dār al-Jīl (Dar al-Jeel Publications), 1411 AH (1990 CE).
17. Ibn Manzūr, Moḥammad ibn Mukarram, *Lisān al-'Arab (The Tongue of the Arabs)*, Beirut: Dār Ṣādīr (Dar Sader Publications), 1414 AH (1993 CE).

18. Ja'farī, Ya'qūb, *Tafsīr-i Kawthar (The Kawthar Commentary)*, Qom: Mu'assasah-yi Intishārāt-i Hijrat (Hijrat Publications), 1376 SH (1997 CE).
19. Jawharī, Ismā'īl ibn Hammād, *Tāj al-Lughah wa Şihāh al-'Arabīyah (The Crown of Language and the Correct Arabic)*, Beirut: n.p., 1376 AH (1956 CE).
20. Khusrawpanāh, 'Abd al-Ḥusayn and Colleagues, *Insān Shināsī-yi Islāmī (Islamic Anthropology)*, Qom: Nashr-i Ma'ārif (Ma'arif Publications), 1392 SH (2013 CE).
21. Kīvī, Rīmūn and Kampenhūd, Lūk Vān, *Ravesh-i Tahqīq dar 'Ulūm-i Ijtīmā'ī (Research Methods in Social Sciences)*, Translated by 'Abd al-Ḥusayn Nīk Guhar, Tehran: Intishārāt-i Tūtiyā (Tutiya Publications), 6th Edition, 1381 SH (2002 CE).
22. Ma'rifat, Moḥammad Hādī, *Tafsīr va Mufasssīrān (Interpretation and Interpreters)*, Qom: Mu'assasah-yi Farhangī-yi Intishārāt-i al-Tamhīd (Al-Tamhid Cultural Publishing Institute), 1379 SH (2000 CE).
23. Majlisī, Moḥammad Bāqir, *Bihār al-Anwār (Oceans of Lights)*, Qom: Intishārāt-i Iḥyā' al-Kutub al-Muqaddasah (Revival of Sacred Books Publications), 1st Edition, 1427 AH (2006 CE).
24. Majma' al-Lughah al-'Arabīyah, *Mu'jam Alfāz al-Qur'ān al-Karīm (Dictionary of the Words of the Noble Quran)*, Tehran: Intishārāt-i Nāşir Khusraw (Naser Khosrow Publications), 2nd Edition, 1363 SH (1984 CE).
25. Makārim Shīrāzī, Nāşir, *Payām-i Qur'ān (The Message of the Quran)*, Tehran: Dār al-Kutub al-Islāmīyah (Islamic Books Publishing House), 9th Edition, 1386 SH (2007 CE).
26. Makārim Shīrāzī, Nāşir, *Tafsīr-i Nimūnah (The Example Commentary)*, Tehran: Dār al-Kutub al-Islāmīyah (Islamic Books Publishing House), 10th Edition, 1371 SH (1992 CE).
27. Malikiyān, Muşţafā, Dīn, *Ma'navīyat va 'Aqlānīyat (Religion, Spirituality, and Rationality)*, Majallah-yi Ābān (Aban Journal), No. 144, Bahman 1381 SH (2003 CE).
28. Marvātī and Colleagues, *Tabyīn-i Maḥmūm-i Inzibāt-i Guftārī dar Qur'ān va Istikhraj-i Dalālat-hā-yi Ḍimnī-yi Ān dar Tarbīyat-i Guftārī-yi Yādگیراندagān (Explaining the Concept of Verbal Discipline in the Quran and Extracting Its Implications for Verbal Education of Learners)*, Masā'il-i Kārburdī-yi Ta'līm va Tarbīyat (Applied Issues in Education), No. 4, Serial No. 9, Winter 1397 SH (2018 CE).
29. Mazāhirī Sayf, Ḥamīd Riḍā, *Āyīn-i 'Ashiqī (The Ritual of Love)*, Mu'assasah-yi Tanzīm va Nashr-i Āthār-i 'Allāmah Ṭabāṭabā'ī (Institute for Organizing and Publishing the Works of Allamah Tabatabai), 1383 SH (2004 CE).
30. Moḥammad Riḍā Amīn, Aḥmad Vā'izī, *Şulḥ Andīşhī-yi Qur'ān-i Karīm dar Ikhbār (The Quran's Peaceful Thinking in Reports)*, Qur'ān Shinākht (Quranic Studies Journal), 6th Year, No. 1, Serial No. 11, Spring and Summer 1392 SH (2013 CE).
31. Mu'in, Moḥammad, *Farhang-i Fārsī (Persian Dictionary)*, Tehran: Amīr Kabīr (Amir Kabir Publications), 10th Edition, 1375 SH (1996 CE).



32. Mughnīyah, Moḥammad Jawād, *Tarjumah-yi Tafṣīr-i Kāshif (Translation of the Commentary Al-Kashif)*, Qom: Būstān-i Kitāb-i Qom (Bustan-e Ketab Publications of the Islamic Preaching Office of Qom Seminary), 1378 SH (1999 CE).
33. Panāhī, ‘Alī Aḥmad, *Naqsh-i Ilzām bih Āmūzah-hā-yi Dīnī dar Tarbiyat va Istihkām-i Khānavādah (The Role of Adherence to Religious Teachings in the Education and Strengthening of the Family)*, Ma’rifat-i Akhlāqī (Ethical Knowledge Journal), 1st Year, No. 2, Spring 1389 SH (2010 CE).
34. Qarā’atī, Muḥsin, *Tafṣīr-i Nūr (The Light Commentary)*, Tehran: Markaz-i Farhangī-yi Dars-hā’ī az Qur’ān (Cultural Center of Lessons from the Quran), 1388 SH (2009 CE).
35. Qarashī Banābī, ‘Alī Akbar, *Qāmūs al-Qur’ān (The Dictionary of the Quran)*, Tehran: Dār al-Kutub al-Islāmīyah (Islamic Books Publishing House), 6th Edition, 1371 SH (1992 CE).
36. Rajā’ī, Moḥammad Kāzīm and Muṣṭafā Kāzīmī, *Shākhis-i Tarkībī-yi Šidāqat dar Bāzār-i Islāmī (The Composite Index of Honesty in the Islamic Market)*, Ma’rifat-i Iqtisād-i Islāmī (Islamic Economics Journal), No. 5, 1390 SH (2011 CE).
37. Riḍā’ī Iṣfahānī, Moḥammad ‘Alī, *Tafṣīr-i Qur’ān-i Mehr (The Commentary of Quran Mehr)*, Qom: Pazhūhish-hā-yi Tafṣīr va ‘Ulūm-i Qur’ān (Research on Interpretation and Quranic Sciences), 1387 AH (1967 CE).
38. Šadr, Moḥammad Bāqir, *Sunnat-hā-yi Tārīkh dar Qur’ān (Historical Laws in the Quran)*, Tehran: Tafāhum (Tafahom Publications), 3rd Edition, 1381 SH (2002 CE).
39. Sisk, D. A., & Torrance, E. P.; *Spiritual intelligence: Developing higher consciousness*. Buffalo, New York: Creative Education Foundation Press, 2001.
40. Smith and Colleagues, *Zamīnah-yi Ravān Shināsī-yi Atkīnsūn va Hīlgārd (The Foundations of Atkinson and Hilgard’s Psychology)*, Translated by Dr. Ḥasan Rafī’ī with Dr. Mujtabā Dalīr, Tehran: Arjmand (Arjmand Publications), 1402 SH (2023 CE).
41. Sührābī, Farāmarz, *Mabānī-yi Hūsh-i Ma’navī (The Foundations of Spiritual Intelligence)*, Salāmat-i Ravān (Mental Health Journal), No. 3, Spring 1378 SH (1999 CE).
42. Sultān ‘Alī Shāh, Sultān Moḥammad ibn Ḥaydar, *Matn va Tarjumah-yi Fārsī-yi Tafṣīr-i Sharīf Bayān al-Sa’ādah fī Maqāmāt al-‘Ibādah (Text and Persian Translation of the Noble Commentary Bayan al-Sa’adah)*, Tehran: Sīr al-Asrār (Sīr al-Asrar Publications), 1372 SH (1993 CE).
43. Ṭabarsī, Faḍl ibn Ḥasan, *Tarjumah-yi Tafṣīr-i Majma’ al-Bayān (Translation of the Commentary Majma’ al-Bayan)*, Tehran: Farāhānī (Farahani Publications), n.d.
44. Ṭabāṭabā’ī, Moḥammad Ḥusayn, *Tafṣīr al-Mīzān (The Balance in Interpretation)*, Translated by Moḥammad Bāqir Mūsawī, Qom: Jāmi’ah-yi Mudarrisīn-i Ḥawzah-yi ‘Ilmīyah, Daftar-i Intishārāt-i Islāmī (Islamic Publications Office of the Society of Seminary Teachers of Qom), 5th Edition, 1374 SH (1995 CE).



45. Ṭālaqānī, Maḥmūd, *Partuvī az Qur'ān (A Ray from the Quran)*, Tehran: Sharikat-i Sihāmī-yi Intishārāt (Joint Publishing Company), 4th Edition, 1362 SH (1983 CE).
46. Ṭayyib, 'Abd al-Ḥusayn, *Aṭyab al-Bayān fī Tafsīr al-Qur'ān (The Finest Explanation in the Interpretation of the Quran)*, Tehran: Islām (Islam Publications), 1369 SH (1990 CE).
47. Trousdale, A. M.; *Black and white fire: The interplay of stories, imagination and children's spirituality*. International Journal of Children's Spirituality, N. 2, PP. 177–188, 2004.
48. Ustād Moḥammad Taqī Mišbāḥ, *Akhlāq va 'Irfān-i Islāmī (Islamic Ethics and Mysticism)*, Nashriyah-yi Ma'rifat (Ma'rifat Journal), Mu'assasah-yi Āmūzishī va Pazhūhishī-yi Imām Khomeinī (Imam Khomeini Educational and Research Institute), No. 71, 1382 SH (2003 CE).